

بررسی نقش انجمنهای ادبی معاصر در استمرار شعر سنتی

حسن چاکری زاده، مهدی ملک ثابت^{*}، یدالله جلالی پندری

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

سال هجدهم، شماره نهم، آذر ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۵، صص ۷۶-۵۵

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2025.18.7950>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: دوران معاصر، دوره ظهور و گسترش شعر نو و شاخه‌های گوناگون آن است اما شعر سنتی نیز گاه با کندی و گاه پا به پای شعر نو در این دوران به پیش آمده است. وجود انجمنهای ادبی، از عوامل پشتیبانی و گسترش شعر سنتی در دوران معاصر بوده است و میتوان گفت این انجمنها با پاسداری از سنتهای ادبی، کمک کردند تا شعر سنتی در دوران اوجگیری شعر نو، کاملاً از رونق نیفتد.

پرسش پژوهشی: انجمنهای ادبی در دوران معاصر (از ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش) چگونه به حفظ و گسترش شعر سنتی کمک کرده‌اند؟

شیوه پژوهش: در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع مختلف و تحلیل آنها، به معرفی چند انجمن ادبی مهم پرداخته‌ایم و نقش انجمنهای ادبی دوره معاصر را در ترویج شعر سنتگرایانه، توصیف، تحلیل و بررسی کرده‌ایم.

یافته‌ها: انجمنهای ادبی بسیاری در دوران معاصر فعال بوده‌اند که عواملی چون حضور بسیاری از شاعران سنتگرای معاصر، اقتراح ادبی، تصحیح و چاپ دیوانهای شعر کهن، تدریس و تحلیل شعر شاعران گذشته در این انجمنها و چاپ اشعار سروده شده در انجمنهای ادبی که غالباً سنتی است در مجلات ادبی و کتب درسی بیانگر نقش ویژه این انجمنها در گسترش شعر سنتی در دوران معاصر هستند.

نتیجه‌گیری: انجمن ادبی نهادی است که از دیرباز به ترویج سنتگرایی در ادبیات پرداخته است. از دوره بازگشت که نقش انجمنها در رویگردانی از سبک هندی و گرایش به سبکهای سنتی، بسیار مهم و محوری است تا دوره معاصر و رواج روزافزون شعر نو، که این انجمنها محل و محفلی برای شاعران سنتگرا بوده‌اند، همواره به عنوان پایگاهی قدرتمند برای حفظ سنتگرایی به شمار میرفته‌اند.

تاریخ دریافت: ۱۴ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۱۵ تیر ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۳۰ تیر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴ شهریور ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

شعر فارسی، شعر معاصر، سبکهای شعری، شعر سنتی معاصر، انجمنهای ادبی

* نویسنده مسئول:

mmaleksabet@yazd.ac.ir

۳۱۲۳۲۲۲۲ (+۹۸ ۳۵)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Examining the Role of Contemporary Literary Societies in the Continuation of Classical Poetry

H. Chakerizadeh, M. Malek Sabet*, Y. Jalali Pandari

Department of Persian Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 04 June 2025

Reviewed: 06 July 2025

Revised: 21 July 2025

Accepted: 05 September 2025

KEYWORDS

Persian poetry, literary societies,
contemporary classical poetry.

*Corresponding Author

✉ mmaleksabet@yazd.ac.ir

☎ (+98 35) 31232222

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The contemporary era is a period of the emergence and expansion of modern poetry and its various branches. However, traditional poetry has also progressed during this era, sometimes slowly and sometimes keeping pace with modern poetry. The existence of literary societies has been one of the factors supporting and promoting classical poetry in the contemporary period. It can be said that these societies, by preserving literary traditions, have helped ensure that classical poetry did not entirely lose its prominence during the rise of modern poetry.

Research Question: How have literary societies in the contemporary era contributed to the preservation and expansion of classical poetry?

METHODOLOGY: Research Method: In this study, using a library-based method and analyzing various sources, we have introduced several significant literary societies and described, analyzed, and examined their role in promoting traditional poetry in the contemporary era.

FINDINGS: Many literary societies have been active in the contemporary era, with factors such as the presence of numerous contemporary traditionalist poets, the recitation of works by great Persian poets, composing poetry in the same meter and rhyme, editing and publishing collections of classical poetry, teaching and analyzing the poetry of past poets in these societies, and publishing poems composed in these societies—often traditional in style—in literary magazines, all indicating the special role of these societies in the sustainability and expansion of classical poetry in the contemporary era.

CONCLUSION: Literary societies have long been institutions dedicated to promoting traditionalism in literature. From the period of the Return, where their role in turning away from the Indian style and embracing traditional styles was highly significant and central, to the contemporary era with the growing prevalence of modern poetry, these societies have consistently served as a gathering place for traditionalist poets and have always been regarded as a strong bastion for preserving traditionalism.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2025.18.7950>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 52	 0	 0

۱. مقدمه

انجمن ادبی مکانی بوده است که شاعران و ادیبان در آنجا جمع میشدند و به شعرخوانی، نقد و تبادل نظر در باره شعر و ادبیات و نیز آثار یکدیگر میپرداختند. پیشینه انجمنهای ادبی به عنوان عاملی تأثیرگذار در تحولات شعر فارسی به قرن دهم بر میگردد (زرقانی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴) و «گزاف نخواهد بود اگر بگوییم همسابقه است با تاریخ شعر فارسی دری» (افشار، ۱۳۶۳، ص ۷۹۵). اما از روزگار زندیه و پس از آن، نقش انجمنها در تحول شعر فارسی بیش از پیش شد و نخستین انجمنهای ادبی شناخته شده که هدف و سازمان مشخصی داشتند، در همین دوره، یعنی دوره بازگشت ادبی پدید آمدند (همان، ۸۰۰). در این دوران شاعران در انجمنهای ادبی با رویگردانی از سبک اصفهانی (هندی) کوشیدند با تقلید از گذشتگان، شعر فارسی را به باور خودشان از ضعف و انحطاط این سبک رهایی بخشند. در اینجا نقش انجمنهای ادبی در بازگشت و تقلید از سنتهای گذشته پررنگ میشود و شاید بتوان گفت این نقش را تا سالها و دوره‌های بعد حفظ میکنند و همواره محفل و پایگاهی قدرتمند برای سنتگرایی میشوند. چنانکه خواهیم دید تا روزگار پهلوی اول و دوم نیز این وظیفه خود را با قدرت انجام میدهند. با آنکه در انجمنهای ادبی به نثر نیز پرداخته میشده است اما تمرکز ما در این پژوهش بررسی نقش انجمنها در روند شعر سنتی معاصر است. ابتدا نگاهی گذرا میکنیم به پیشینه انجمنهای ادبی در ایران و سپس بیشتر به انجمنهای مهم معاصر و نقش آنها در پیروی از سنت و چگونگی کمک آنها به استمرار شعر سنتی در دوران معاصر میپردازیم.

۲. پیشینه و ضرورت پژوهش

ایرج افشار (۱۳۶۳) در مقاله‌ای با عنوان «انجمنهای ادبی» به بررسی پیشینه انجمنهای ادبی پرداخته و معتقد است انجمنها نقش مهمی در پیشبرد جریانهای ادبی روزگاران مختلف داشته‌اند. وی انجمنهای قدیم را به دو دسته رسمی و دیوانی و انجمنهای دوستانه تقسیم میکند و نتیجه میگیرد که انجمنهای دوستانه نقش مهمتری در پیشبرد شعر و ادبیات داشته‌اند. وی سپس انجمنهای مهم دوران قاجار و مشروطه را معرفی میکند. همچنین وی در مقاله دیگری با عنوان «انجمنهای ادبی در ایران» (۱۳۶۵) معتقد است که با قدرت و شدت گرفتن جریان نوجویی و نوگرایی در دوران معاصر، از رونق انجمنهای ادبی کاسته شد. در ادامه نیز به کارهایی که در انجمنها انجام میشد پرداخته است از جمله: شعر خوانی، سرودن اشعار طرحی، سرودن اخوانیات و ... و سپس انجمنها را گروه‌بندی میکند از جمله: انجمنهایی که در شهرهای مختلف دایر بوده، انجمنهای دانشگاه‌ها و مدارس، انجمنهای فرهنگی و دوستی با ممالک دیگر و ... در این دو مقاله اشاره‌ای به نقش انجمنهای ادبی در روند شعر معاصر نمیشود.

عباس کی منش (۱۳۸۴) در مقاله «انجمنهای ادبی از آغاز شعر فارسی دری تا سال ۱۳۳۵» ضمن ارائه تاریخچه‌ای از انجمنهای ادبی، معتقد است که اولین انجمنها در دربار پادشاهان تشکیل شده است و در ادامه دلایلی در اثبات ادعای خود بیان میکند از جمله: آزمون شاعران، التزامهای دشوار، نقدواره‌ها و عنوان ملک‌الشعرایی که همگی نشان از برگزاری جلسات ادبی از دیرباز دارند. وی سپس به برگزاری جلسات ادبی در منزل ادبا و همچنین قهوه‌خانه‌ها و مکانهای دیگر اشاره میکند و در ادامه چند انجمن مشهور از دوران بازگشت تا سال ۱۳۳۵ را معرفی میکند. مرتضی فلاح و زهرا رستمی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش انجمنهای ادبی مؤثر دوره پهلوی اول در شعر معاصر» به بررسی دو انجمن ادبی «ایران» و «حکیم نظامی» میپردازند و نتیجه میگیرند که به علت اختناق سیاسی در دوره پهلوی اول، این دو انجمن نسبت به تحولات سیاسی بی‌توجه بودند و با توجه به گرایشهای سنتی

رضاشاه در زمینه ادبی، این دو انجمن نیز مرام سنتگرایی در پیش گرفتند و نیز به تصحیح دیوانهای شعر پرداختند و علت دوام آنها نیز همین بود.

ضرورت تحقیق

تحقیقات پیشین مانند مقالات افشار (۱۳۶۳) و کی‌منش (۱۳۸۴) بیشتر به تاریخچه انجمنها پرداخته‌اند، اما به تحلیل نقش آنها در تحولات شعر معاصر و حفظ سنتها توجه کافی نکرده‌اند؛ مقاله رستمی و فلاح (۱۳۹۳) نیز تنها به شرح دو انجمن مهم دوران پهلوی اول پرداخته و به انجمنهای دوره بعد نپرداخته است. همچنین این مقاله، علت سنتگرایی انجمنهای دوره رضاشاه را بسته بودن فضای سیاسی آن روزگار میدانند در حالیکه در دوران بعد نیز با وجود بازتر شدن فضای سیاسی، انجمنها همچنان سنتگرا ماندند. در پژوهش حاضر کوشیده‌ایم علت و چرایی این موضوع را بررسی کنیم. همچنین این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه فعالیتهایی مانند اقتراح ادبی و تصحیح متون کهن، زبان و فرهنگ شعری معاصر را غنیتر کرده و میراث ادبی را برای نسلهای آینده حفظ کرده است.

۳. روش تحقیق

این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی بهره میبرد و بر پایه بررسی منابع مکتوب مانند کتابها، مقالات، مجلات ادبی (مانند دانشکده، ارمغان و اخگر) و... استوار است. ابتدا با گردآوری داده‌های تاریخی از پیشینه انجمنهای ادبی از دوره بازگشت تا پهلوی دوم، انجمنهای کلیدی شناسایی و توصیف میشوند؛ سپس، نقش آنها در حفظ شعر سنتی از طریق فعالیتهایی چون اقتراح ادبی، تصحیح متون کهن و چاپ اشعار سنتی، با رویکرد تحلیلی بررسی میگردد. برای تحلیل، از روش کیفی استفاده شده و یافته‌ها بر اساس شواهد مستند از منابع اولیه و ثانویه (مانند آثار افشار، مقالات مجلات و...) تفسیر میشوند تا تأثیر انجمنها بر استمرار سنتگرایی در برابر نوگرایی شعر معاصر روشن شود.

پرسش پژوهش

انجمنهای ادبی چگونه و با چه روشهایی به حفظ و گسترش شعر سنتگرا در دوران معاصر کمک کرده‌اند؟

۴. بررسی انجمنهای ادبی از آغاز تا دوران معاصر

از انجمنهای ادبی تا قبل از زندیه و دوران بازگشت ادبی اطلاعات چندانی در دست نداریم. مثلاً نام انجمنها و اعضای حاضر در آنها را نمیدانیم. از اینرو ابتدا مروری کلی بر شواهد وجود انجمنها (از آغاز ادبیات فارسی تا قبل از دوره بازگشت) در تذکرها و دیگر منابع میکنیم و سپس به شرح انجمنها از بازگشت تا دوران معاصر میپردازیم.

قبل از بازگشت ادبی

مهمترین مجالس نقد شعر در گذشته در دربار شاهان تشکیل میشده است و گاه حتی از سوی خود شاهان نیز نکته‌سنجیهای دیده میشود (زرینکوب، ۱۳۸۶، صص ۱۸۷-۱۸۶). همچنین مجالس شعر در خانه شاعران و شاهزادگان، قهوه‌خانه‌ها و دیگر مکانها برگزار میشده است (افشار، ۱۳۶۳، صص ۷۹۸-۸۰۰). در برخی منابع داستانهایی درباره حضور شاعران در مجالس شعر نقل شده است. از جمله حضور فردوسی جوان در مجلس شعر

عصری (تذکره دولتشاه سمرقندی، مدخل فردوسی) و داستانهایی از این دست درباره شاعران دیگر. هرچند این داستانها به افسانه میمانند اما نشان از برگزاری انجمنها و مجالس ادبی در دوران گذشته دارند، زیرا شاعران هم برای کسب تجارب شاعران دیگر و هم برای خودنمایی و نشان دادن توان شاعری خود، به این انجمنها رفت و آمد میکردند.

چنانکه اشاره کردیم برخی از ادیبان و بزرگان، مجالس شعر را در منزل خود برپا میکردند و شاعران و ادیبان و فضلان در این مجالس حضور مییافتند. به طور مثال در قرن نهم امیر علیشیر نوایی مجلسی در منزل خود برگزار میکرد و نیز مجلسی دیگر در روزهای دوشنبه و جمعه با حضور عبدالرحمن جامی برگزار میشده است (کی منش، ۱۳۸۴، ص ۷۰). محمدعلی حزین لاهیجی نیز اشاره‌ای به برگزاری مجلسی ادبی در منزل پدر خود میکند. «مرا شوقی موفور به صحبت مستعدان و موزونان بود و با جماعتی از آن طایفه مختلط بودم. روزی در منزل والد علامه، مجمعی از مستعدان منعقد بود، مرا هم در آن مجلس طلبیدند و از هر جا سخنان در میان بود. یکی از حضاران این بیت ملا محتشم کاشانی را برخواند ... و بعضی از حضار تحسین بلیغ نموده ...» (حزین لاهیجی، ۱۳۳۲، ص ۱۴) این اشارات نشان میدهد که همواره شاعران در مجالس شعر حاضر میشده‌اند و ضمن خواندن اشعار خود، برخی نکته‌سنجیها نیز درباره اشعار دیگر شاعران حاضر در انجمن و شاعران بزرگ ادب فارسی میکردند.

بنابراین انجمنها و گردهمایی شاعران در تاریخ ادبیات همواره رونق داشته‌اند. هر چند اطلاعات چندان دقیقی از انجمنهای قرون گذشته نداریم، همین قدر میدانیم که برگزاری جلسات و دورهمیهای شاعران و ادیبان از عوامل مهم شکل دادن دوره‌های مختلف ادبی بوده است و بسیاری از مشخصه‌های سبکی هر دوره، در این جلسات ترویج میشده است. به احتمال زیاد، شکل برگزاری و شیوه اداره جلسات این انجمنها، شباهت بسیاری به انجمنهای دوره‌های بعد (زندیه و پس از آن) دارد. دوره‌هایی که از انجمنها و شیوه‌های اداره آنها، اطلاعات بیشتری داریم.

دوره بازگشت ادبی و نقش مهم انجمنها

چنانکه اشاره کردیم پیشینه انجمنهای ادبی به شکل امروزی به دوره زندیه و ابتدای قاجاریه برمیگردد و قدیمترین انجمنی که دارای هدف و سازمان مشخصی بود (انجمن مشتاق)، در همین دوره شکل گرفته است. شاید ذهنیت تغییر و تحول در ادبیات از دوره قبل به طور ضعیف شکل گرفته بود، اما در دوره زندیه و با شکل‌گیری انجمنها و مخصوصاً انجمن ادبی اصفهان، این ذهنیت گسترش یافت. (شاملو، ۱۳۹۴) در اینجا شرحی مختصر از انجمنهای تأثیرگذار دوره بازگشت ادبی میدهم، انجمنهایی که همگی نقش بسیار پررنگی در بازگشت ادبی در دوران خود داشتند:

انجمن ادبی اصفهان (مشتاق)

در دوره کریمخان زند و در اصفهان «دوسه تن مرد خوش‌قریحه و صاحبذوق، یکباره روی از سبک رایج هندی برتافتند و به تتبع طرز و شیوه استادان پنج شش قرن پیش پرداختند» (آرین‌پور، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۳) مشتاق اصفهانی یکی از این افراد بود که به منظور پیروی از سبک قدما انجمنی در اصفهان راه انداخته و شاعران را دور خود گرد آورده بود (آرین‌پور، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۳؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۴۱) طبیب اصفهانی، عاشق اصفهانی، صهبای قمی، هاتف اصفهانی، لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، صباحی بیدگلی، صبای کاشانی و ... از اعضای آن بودند (سپنتا، ۱۳۶۵، ص ۳۸۶)

این انجمن نخستین جمعی بود که سبک قدما را زنده کرد (آرین‌پور، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۴) و شاید بتوان گفت نخستین انجمن در ادبیات فارسی بود که انگیزه تغییر سبک دوره خود را داشت و در این راه پیشگام بود. هرچند این تغییر سبک به پدید آمدن سبکی تازه در شعر فارسی نینجامید و در پایان چیزی جز تقلید و پیروی از گذشتگان در بر نداشت، اما از این جهت که نخستین تلاش عامدانه و در نهایت موفق برای تغییر یک سبک شعری در ادب فارسی بود، دارای جایگاه و اهمیت ویژه‌ای است.

شاید بتوان گفت تحت تأثیر همین انجمن و انجمنهای پیرو آن بود که نهاد انجمن ادبی، پس از آن تا دوره معاصر، به یک نهاد مهم در پاسداری از سنتهای ادبی و پیروی از شاعران گذشته و گسترش و استمرار شعر سنتی تبدیل شد.

سرانجام این انجمن با مرگ کریمخان و روی کار آمدن سلسله قاجاریه تعطیل شد (شمس لنگرودی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۱)

انجمن نشاط

میرزا عبدالوهاب نشاط که در زمان قاجار کلانتر اصفهان بود، به پیروی از مشتاق، انجمنی دایر کرد که در تقلید و پیروی اسلوبهای ادبی کهن، از انجمن مشتاق توانمندتر بود (آرین‌پور، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۴). این انجمن نیز گامهای مؤثری در تغییر سبک و بازگشت ادبی برداشت (شمس لنگرودی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۷) از دلایل موفقیت این انجمن، بهره‌گیری از تجربه انجمن مشتاق دانسته‌اند (همانجا) میتوان گفت این انجمن به تثبیت شیوه بازگشتی که در انجمن مشتاق آغاز شده بود کمک شایانی کرده است. پس از روی کار آمدن فتحعلی شاه و فراخواندن نشاط از اصفهان به تهران، این انجمن تعطیل شد.

انجمن خاقان

فتحعلی شاه به شعر و شاعران علاقه داشت و میخواست درباری چون دربارهای غزنوی و سلجوقی تشکیل دهد. از این رو شاعرانی را با محوریت فتحعلیخان صبا گرد آورد و «انجمن خاقان» شکل گرفت که شاعرانی چون صبا، نشاط و مجمر از نامدارترین اعضای آن بودند (آرین‌پور، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۵).

نشاط از اصفهان بود و چنانکه خواندیم در اصفهان انجمنی داشت. مجمر نیز از نزدیکان نشاط و عضو انجمن وی در اصفهان بود. صبا کاشانی نیز از شاگردان حاجی سلیمان صباحی بیدگلی (از اعضای انجمن مشتاق) بود (همان ص ۲۰). پس روشن است که همگی مرام بازگشتی داشته‌اند و فکر بازگشتی خود را در دربار فتحعلی شاه نیز جا انداخته‌اند. از سویی دیگر، خود شاه هم که آرزوی تشکیل درباری چون دربارهای غزنوی و سلجوقی داشته است، به شعر بازگشتی که در واقع تقلیدی است از شعر آن دوره‌ها بی‌میل نبوده است. همه این عوامل دست به دست هم دادند و انجمن خاقان تبدیل شد به مکانی برای شاعران مقلد و بازگشتی، شاعرانی که هدفشان رهاندن شعر فارسی از ضعف دوره صفوی بود اما برای رسیدن به این هدف، به راهی جر بازگشت و تقلید نرفتند (همان، ص ۱۵). این انجمن و فعالیت و تأثیر آن در دروه بازگشت ادبی از آن جهت مهم است که قدرت و نفوذ دربار قاجار را با خود داشت و با این نفوذ خود، شعر بازگشتی را بیش از پیش گسترش داد.

در دوره قاجار، انجمنهای شعر در شهرهای مختلف رونق داشته‌اند. در شهرهایی چون تهران، اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز، کاشان، قزوین، همدان، کرمان، یزد و ... (افشار، ۱۳۶۳، صص ۸۰۱-۸۰۳) که به احتمال زیاد اندیشه بازگشتی و سنتگرایی هم با این انجمنها در شهرهای گوناگون فراگیر شده است. چیزی که تا حدود یک قرن بعد هم تقریباً در بیشتر انجمنها رواج داشته است.

دوره مشروطه

دگرگونی فکری و فرهنگی ژرفی که در دوران مشروطه رخ داد و توانست شعر و ادبیات را در پی خود تا اندازه بسیاری دگرگون کند، انجمنهای ادبی را چندان از شیوه گذشته خود دور نکرد. همچنین در زمانه مبارزات سیاسی و اجتماعی، طبعاً نهاد انجمن ادبی که مرام سنتگرایی و نگاه به گذشته داشت کمرنگ و در حاشیه بود و در زمانهای که بسیاری از روشنفکران مشروطه خواه، ادبیات سنتی را مایه عقب ماندگی ایران می دانستند، انجمن ادبی که بنوعی نماد ادبیات سنتی و شعر بازگشتی بود، چندان توجهی به خود جلب نمی کرد. با اینکه اندکی پس از مشروطه انجمن نیمه سنتی - نیمه نوگرایی چون «دانشکده» تأسیس شد و همچنین در تبریز تقی رفعت و پیروان او انجمنهایی مثل «آزادستان» و «مکتب رفعت» را دایر کردند (زرقانی، ۱۳۹۴، ص ۷۹) و بسیار نوگرا بودند و در شعر و ادب فارسی تغییر و تحولات عمیقی بر جای گذاشتند، اما این جرعه ها نتوانست نهاد انجمنهای ادبی را از اندیشه بازگشتی جدا سازد.

در این دوران همچنان در گوشه و کنار ایران انجمنهای ادبی با همان روش انجمنهای سنتی برگزار می شد و در آنها از نوگرایی خبری نبود. البته بودند انجمنهایی که فعالیت سیاسی هم می کردند و حتی گاه اشعار انتقادی هم در آنها خوانده می شد مانند حلقه ادبیه با مدیریت شیخ محمد خیابانی و آزادستان با سرپرستی تقی رفعت (افشار، ۱۳۶۳، ص ۸۰۴) اما چنین فضایی در انجمنهای ادبی ادامه نیافت و پس از آن انجمنهایی با همان فضای سنتگرایی به کار خود ادامه میدادند.

پس از مشروطه تا پایان پهلوی اول

انجمن دانشکده

در سالهای پایانی سده سیزدهم شمسی (دی ماه ۱۲۹۴) گروهی از ادیبان سنتگرا انجمنی به نام «جرگه دانشوری» تشکیل دادند. پس از پیوستن ملک الشعرای بهار به انجمن، نام آن به «دانشکده» تغییر یافت و خود وی مدیریت آن را بر عهده گرفت. (یاسمی، ۱۳۳۳، ص ۴۲۹) هدف این انجمن «تجدید نظر در طرز و رویه ادبیات ایران بود بر روی احترام اسلوب لغوی و طرز ادای عبارات اساتید متقدم با مراعات سبک جدید و احتیاجات عمومی حال حاضر» (بهار، ۱۲۹۷) می توان گفت پس از انجمن مشتاق، دانشکده نخستین انجمنی بود که با انگیزه تجدید نظر در ادبیات و شعر فارسی تشکیل شد. با این تفاوت که انجمن مشتاق از آغاز راه، شیوه بازگشت و تقلید را در پیش گرفته بود اما دانشکده با تقلید صرف مخالف بود.

این انجمن لزوم نوآوری را دریافته بود، اما بیشتر تحول در معانی و مفاهیم شعر را پیش چشم داشت و سرسختانه می کوشید تا ساختار و جنبه های صوری شعر سنتی فارسی را نگه دارد. چنانکه بهار در مناظره قلمی با تقی رفعت بر حفظ ساختارهای شعری کهن پافشاری می کند (بهار، ۱۳۵۵، صص ۳۸۹-۳۹۴) علت این پافشاری شاید این بود که بیشتر اعضای انجمن از ادیبان و شاعران مسلط به ادبیات فارسی بودند و طبعاً علایق و دلبستگیهای آنان به سنتهای شعری، مانع میشده است که به یکباره از آن چشمپوشی کنند پس تنها به نوآوری در مضامین و معانی شعر در چهارچوب ساختار سنتی بسنده کردند.

از کارهای مهم انجمن، به شعر در آوردن ترجمه اشعار شاعران غربی بود و با عنوان «اقتراح» در مجله دانشکده چاپ میشد. این اشعار، باعث آشنایی شاعران و ادیبان ایرانی با ادب اروپایی شد که خود موجب تحولات ادب معاصر در سالهای بعد گردید. به طور مثال در یک شماره مجله دانشکده شعری از لامارتین ترجمه شده و ملک الشعرای

بهار آن را به نظم آورده است. اکنون چند بیت آن را می‌خوانیم:

«جدا شد یکی چشمه از کوهسار	به ره گشت ناگه به سنگی دچار
به نرمی چنین گفت با سنگ سخت	کرم کرده راهی ده ای نیکبخت
جناب اجل کش گران بود سر	زدش سیلی و گفت دور ای پسر
نجنبیدم از سیل دریای گرای	که ای تو؟ که پیش تو جنم ز جای
نشد چشمه از پاسخ سنگ سرد	به کندن در استاد و ابرام کرد
بسی کند و کاوید و کوشش نمود	کران سنگ خارا رهی برگشود
ز کوشش به هرچیز خواهی رسید	به هر چیز خواهی کماهی رسید»

(بهار، ۱۲۹۷)

این شعر میان مردم مشهور شد و به کتابهای درسی راه یافت که نشان از نفوذ و تأثیرگذاری فعالیت‌های انجمن و مجله دارد. البته چنانکه روشن است، دیدگاه و مرام مجله و انجمن دانشکده در این شعر نیز هویدا است: نوکردن مفاهیم با حفظ اسلوبهای کهن.

همچنین قطعه مشهور بهار (برو کار میکنم مگو کار چیست؟) نیز ترجمه شعری است از لافونتن که هم ترجمه شعر و هم ترجمه منظوم بهار در مجله دانشکده چاپ شده است. (بهار، ۱۲۹۷ ب) که آن شعر هم به کتابهای درسی راه یافت.

چاپ مقالاتی درباره ادبیات گذشته فارسی در مجله دانشکده، تلاش این انجمن و مجله را برای حفظ پیوند با سنت‌های ادبی و ادب گذشته نشان میدهد. از جمله سلسله مقالاتی از عباس اقبال آشتیانی با عنوان «تاریخ ادبی»، بخشی با عنوان «آثار اساتید» که اشعاری از بزرگان ادب پارسی است. مقالاتی از بهار در نقد ادبی و... همچنین در کنار این مقالات، مقالاتی هم درباره ادبیات غرب دیده میشود. مانند: سلسله مقالات «انقلاب ادبی» نوشته سعید نفیسی و مقالاتی درباره شاعران و نویسندگان غربی. پس انجمن دانشکده تا حدود زیادی میکوشد که شعار و اهداف اولیه خود را عملی سازد: لزوم نوآوری در ادبیات با حفظ سنتها.

انجمن ادبی ایران

انجمن دیگری که در آن سالها آغاز به کار کرد، «انجمن ادبی ایران» نام داشت. وحید دستگردی در سال ۱۲۹۹ شمسی آن را تأسیس کرد. ملک‌الشعراى بهار، تیمورتاش، ادیب‌السلطنه سمیعی، حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی و جمعی از خاورشناسان عضو آن بودند (آرین‌پور، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۳۰). جلسات انجمن مدتی در منزل محمدهاشم افسر سبزواری برگزار میشد که با درگذشت وی (۱۳۱۹) تعطیل شد البته پس از درگذشت وحید دستگردی (۱۳۲۱) برخی از اعضای انجمن پیرامون محمدعلی ناصح گرد آمدند و این انجمن را دوباره راه انداختند (گلچین معانی، ۱۳۶۲، ص ۸) محمدعلی ناصح نیز تا پایان عمر خود (۱۳۶۵) مدیر انجمن بود (ناصر، ۱۳۷۳، ص ۳) مجله ارمغان، ارگان این انجمن بود (زرقانی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴). از کارهای مهم انجمن تهیه و تنظیم سرود ملی شاهنشاهی و سرود پرچم در سال ۱۳۱۲ به دستور رضاشاه است. شعر سرود را شاهزاده افسر سبزواری، رییس وقت انجمن ادبی ایران سرود. (ملاح، ۱۳۵۳)

در اولین شماره ارمغان شعری با عنوان «مژده آغاز ارمغان» آمده است. این شعر با اینکه در قالبی تا حدودی ابتکاری سروده شده اما زبان آن کاملاً سنتگرایانه است. چند بیت اول آن چنین است:

«ای	تشنه	سلسبیل	حیوان	کاندر	ظلمات	التهایی
مژده	که	به	عرفان	زین چشمه	به موج	آمد آبی
وز	بحر	علوم	شد	دریا کف	و درفشان	سحابی»
(وحید دستگردی، ۱۳۹۹ ب)						

و در بیتی دیگر می‌گوید:

«در	انجمن	غزلسرای	شد	نوبت	طبع آزمایی»	(همان)
-----	-------	---------	----	------	-------------	--------

که آشکارا نشان از سنتگرایی انجمن و مجله یاد شده دارد. زبان شعر سنتی است و اصطلاح «غزلسرای» رویکرد انجمن را به خوبی نشان می‌دهد. رویکردی که در ادامه نیز تغییر چندانی نکرد و با نگاهی به اشعار شاعران این انجمن، میتوان مرام سنتگرایانه را به خوبی دریافت.

مواد مرامنامه انجمن چنین است: «ماده اول: احیاء و پیروی ادبی گذشتگان و سپاسگزاری درباره آنها. دوم: محافظت ادبیات از فقدان مزایای قدیم در حین اقتباس از کیفیات دنیای جدید. سوم: تشویق ادبای معاصر به مسابقه و اعطای امتیازات. چهارم: ترویج موضوعات جدید علمی، اخلاقی، فنی، اجتماعی به زبان ادبی. پنجم: ترویج افسانه‌نگاری، تئاتر نویسی، سرودسرایی و غیره که در زبان فارسی کمتر تعقیب شده. ششم: تجدید نظر در قواعد فصاحت فارسی به تفکیک قواعد لازم‌الاتباع از قواعد غیر لازم‌الرعايه و امثال این تصرفات. هفتم: تولید وحدت روح و فکر در ادبای ممالک پارسی زبان. هشتم: عقد روابط ادبی بین ایران و سایر ممالک متمدنه.» (وحید دستگردی، ۱۳۹۹ الف) با توجه به این اهداف، روشن است که انجمن ادبی ایران همچون انجمن دانشکده، لزوم تحول در ادبیات را دریافته ولی به حفظ سنتهای ادبی نیز پایبند است. هر چند اهداف نوآورانه‌ای نیز دارد اما به طور جدی دنبال نشدند. (بهار، ۱۳۲۶) همچنین اشعار شاعران انجمن که در مجله ارمان چاپ شده است، در قالبهای سنتی و پیرو موازین ادبی گذشته‌اند (در ۵۸ شماره از این مجله، اشعاری از اعضای انجمن ادبی ایران دیده میشود که همگی سنتگرایانه‌اند). برای نمونه نگاهی میکنیم به اشعاری از شاعران این انجمن:

از ادیب السلطنه سمیعی:

حق همچو آفتاب هویدا و روشن است	من گر نبینمش گنه از دیده من است
نقش حقیقت از قلم صنع ساده بود	این قیل و قال خلق بر آن رنگ و روغن است
با عقل ای حکیم نیابی رموز عشق	در پیش منطق تو قضایا مبرهن است
تردامنان کجا به خرابات ره برند؟	آنجا مقام طایفه پاکدامن است
یکتا شو و به حلقه اهل دل اندر آی	کاین حلقه تنگ‌چشمتر از چشم سوزن است»
(آثار انجمن ادبی ایران، ۱۳۰۱)	

عباس فرات:

«از رخ چو برفشانند دو زلف سیاه راه	در هم شکست رونق خورشید و ماه را
مردم ز روی شمس و قمر مانده در شگفت	من در عجب ز روی تو صنع اله را
قد تو را به سرو و صنوبر مثل زنند	کوتاهی نظر نگر و اشتباه را
ای پادشاه حسن ز عشاق سر میچ	سلطان ز پیش خویش نراند سپاه را

آتش زدی به خرمن دلدادگان عشق از یک نگاه گرم، بنازم نگاه را...»
(آثار انجمن ادبی ایران، ۱۳۰۷)

چنانکه روشن است هر دو شعر زبان و فضای سنت‌گرایانه دارند. دیگر اشعار این انجمن نیز در همین فضا است. در این انجمن همانند دیگر انجمنها تقلید از اشعار بزرگان، سرودن اشعار طرحی و نظیره‌سازی انجام میگرفت و همچنین موضوعات اخلاقی برای سرودن شعر و نوشتن مقالات پیشنهاد میشد (روحانی، ۱۳۵۷؛ ناتل خانلری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶).

در دوران مدیریت ناصح نیز به علت گرایش او به ادبیات سنتی، سنت‌گرایی در انجمن رواج داشته است به طوری که ناصح همواره به اعضای انجمن اندرز میداد که از مطالعه شعر و ادبیات گذشته غفلت نورزید (خطیب رهبر، ۱۳۵۰). همچنین در این انجمن متون کهن ادب فارسی از جمله تاریخ بیهقی، کلیات سعدی، دیوان حافظ و اشعار ناصر خسرو تدریس و شرح میشد (همانجا) پس در این انجمن، در بر پاشنه سنت‌گرایی می‌چرخید، هر چند در ابتدا اهدافی کم و بیش نوگرایانه در آن دیده میشد.

این انجمن بیشتر محفل شاعران سنت‌گرا بود. به علت داشتن مجله و بازتاب فعالیتها و اشعار انجمن در مجله، میزان تأثیرگذاری آن نیز طبعاً زیاد بوده است.

انجمن ادبی حکیم نظامی

وحید دستگردی پس از کناره‌گیری از انجمن ادبی ایران، در سال ۱۳۱۱ شمسی «انجمن ادبی حکیم نظامی» را بنا نهاد (آرین‌پور، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۳۰) برخی اعضای این انجمن عبارت بودند از: امیری فیروزکوهی، احمد گلچین معانی، محمدعلی ناصح، احمد سهیلی خوانساری، غلامرضا روحانی، رهی معیری، عباس فرات، صابر همدانی و ... (ذکایی بیضایی، ۱۳۵۱، ص ۵۰) اعضا روزهای دوشنبه گرد هم جمع میشدند و به سرپرستی وحید دستگردی به مقابله و تصحیح کلیات خمسه نظامی می‌پرداختند و سپس، اشعار خود را می‌خواندند (سهیلی خوانساری، ۱۳۵۷، ص ۸۵؛ گلچین معانی، ۱۳۷۳) به جز کلیات نظامی، آثار دیگری هم با تلاش این انجمن تصحیح و به ضمیمه مجله ارمغان (که مجله این انجمن نیز بود) چاپ شد. از جمله دیوان ابوالفرج رونی، دیوان باباطاهر همدانی، دیوان قائم مقام فراهانی، دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی و ... (وحیدنیا، ۱۳۵۷) در پایان جلسه نیز شعری از استادان کهن در قالبهای سنتی چون قصیده، غزل، قطعه و ... طرح میشد و اعضای انجمن مکلف بودند که شعری بر همان وزن و قافیه و در مضمونی مشخص بسرایند (گلچین معانی، ۱۳۶۲، ص ۷) پس از درگذشت وحید دستگردی (۱۳۲۱) انجمن حکیم نظامی با مدیریت پسر وی، محمود وحیدزاده (نسیم) به کار خود ادامه داد و ظاهراً تا حدود سال ۱۳۵۷ برقرار بوده است.

مجله ارمغان، آثار و اخبار این انجمن را هم منتشر میکرد. در این مجله و در بخشی با عنوان «آثار انجمن حکیم نظامی»، اشعاری از شاعران انجمن چاپ میشد. با نگاهی به شاعران و آثاری که در این مجله چاپ شده است (در ۲۲۷ شماره از مجله ارمغان، آثار انجمن حکیم نظامی چاپ شده است که همگی در قالبهای سنتی هستند) میتوان به روشنی مرام سنت‌گرایانه انجمن را دید. رهی معیری، مهرداد اوستا، عباس کی‌منش (مشفق کاشانی)، امیری فیروزکوهی، لطفعلی صورتگر، علی اشتری، ابوالقاسم حالت و دیگران، از شاعران نام‌آشنای سنت‌گرای معاصر هستند که اشعارشان زیر عنوان آثار انجمن نظامی چاپ شده است. اکنون به برخی از این اشعار نگاهی میکنیم:

رهی معیری:

در چمن محبت آن، لاله داغیده‌ام
کز غم نوگلی رود، خون ز دل رمیده‌ام
حاصل دور زندگی صحبت آشنا بود
تا تو ز من بریده‌ای من ز جهان بریده‌ام
گر نشوند متفق آتش و آب از چه رو
اشک فشان چو شمع شد، بی تو چراغ دیده‌ام
تا تو مراد من دهی، کشته مرا فراق تو
تا تو به داد من رسی، من به خدا رسیده‌ام...
(«آثار انجمن حکیم نظامی»، ۱۳۲۰)

چنانکه میبینیم زبان و فضا سنتگرایانه است. کلمات مخفی چون: کز، ز، گر، چون، کاربرد فعل بُود که سنتگرایانه است و کاربرد واژه صحبت در معنای همنشینی و ... از مختصات زبان کهن و سنتی شعر فارسی است. همچنین مفاهیمی چون داغ دل لاله و تشبیه معشوق به گل، ارزش همنشینی با معشوق که شاعر آن را حاصل دور زندگی میداند و ... مفاهیمی هستند که در ادبیات گذشته ما بارها تکرار و به شیوه‌های گوناگون بیان شده‌اند.

رهی این غزل را بعدها ویرایش و با تغییر برخی بیتها، در مجموعه اشعار خود چاپ کرد. (معیری، ۱۳۹۹، ص ۷۲) این غزل که یکی از زیباترین عزلهای رهی است بارها با صدای خوانندگان مختلف (علی‌اکبر گلپایگانی، حسین قوامی، همایون شجریان، احمدظاهر خواننده اهل افغانستان و ...) خوانده شده که نشانی است از محبوبیت و نفوذ آن در جامعه.

امیری فیروزکوهی:

«چو غنچه‌ای که ز ابر بهار بگشاید
دلم ز گریه بی‌اختیار بگشاید
شکفتن گل دل در تمام عمر دمی است
گلی گل است که در هر بهار بگشاید»
(«آثار انجمن حکیم نظامی»، ۱۳۳۶)

چنانکه روشن است زبان شعر، سنتگرا است و آوردن مخفف (چو و ز)، کاربرد فعل گذرا در معنی ناگذر (بگشاید به معنای گشاده شود)، کاربرد کلمه دم و ... برخی مختصات زبانی شعر کهن است. همچنین باز شدن غنچه هنگام بارش ابر و تشبیه گریستن شاعر به ابر و مفهوم گذرا بودن گل و ارزشمند بودن دل که همیشگی است یادآور این بیت سعدی است:

«گل همین پنج روز و شش باشد
وین گلستان همیشه خوش باشد» (گلستان سعدی، دیباچه)
پس میتوان گفت در این انجمن نیز اشعاری به تقلید و اقتفای بزرگان ادب پارسی سروده میشد و در آن از نوآوری و نوگرایی کمتر خبری بود.

گویا شاعران سنتگرای معاصر نیز علاقه زیادی به این انجمن و مجله وابسته به آن داشته‌اند، چنانکه شهریار که خود، از برجسته‌ترین شاعران سنتگرای معاصر است، در شعری به تمجید از بنیانگذار این انجمن و همچنین مجله ارمغان پرداخته است:

«فکند بار دگر، بار کاروان ادب
روان سعدی و حافظ به رجعت آمد باز
هر آن مزور از حلیه هنر عاری
فغان حافظ و سعدی برآمد از دل خاک
پی هدایت گمگستگان ز طرف خدای
وحید همچو نبی بود و ارمغان قرآن
به شهریاری از آن خواستم شدن مشهور
ز ره رسید و ره‌آوردش ارمغان ادب...
دمید کالبد خسته را روان ادب...
جهان فضل شد و بحر علم و کان ادب
که شد بلند در این مملکت فغان ادب
وحیدی آمد و آورد ارمغان ادب
چو وحی منزل نازل از آسمان ادب...
که ساکنم چو گدایان در آستان ادب»

(شهریار، ۱۳۶۹، ج ۱: صص ۶۹۸-۶۹۹)

چیزی که روشن است، انجمن حکیم نظامی همچون دیگر انجمنهای ادبی آن دوره، در نوگرایی و تحول ادبی معاصر نقشی نداشته (رستمی و فلاح، ۱۳۹۳) و با همان رویکرد سنتگرایانه، مروج و مشوق شعر سنتی در دوران معاصر بوده است. بویژه با تصحیح و چاپ آثار ادبی گذشته موجب آشنایی بیشتر معاصران با ادب سنتی شده است. با نگاهی به شماره‌های مجله ارمان در روزهای پرآشوب سال ۱۳۲۰ و مقارن با جنگ جهانی دوم، در برخی اشعار چاپ شده، اشاراتی به جنگ و حوادث مرتبط با آن دیده میشود. هرچند در همان شماره‌ها باز اشعاری سنتگرایانه و بی‌توجه به حوادث بیرونی به چشم می‌خورد. برای نمونه این بیتها از احمد گلچین معانی و عبرت مصاحبی را از نظر می‌گذرانیم:

گلچین معانی:

هرکه را بینی غم ابناء عالم می‌خورد
بر سر هر بوم و بر این سرخ پرچم می‌خورد
صدمه این جنگ بر ما نیز کم‌کم می‌خورد
تیشه‌ها بر ریشه اولاد آدم می‌خورد
دستگاه آفرینش نیز بر هم می‌خورد...
(آثار انجمن نظامی، ۱۳۲۰)

«نیست در عالم کسی کز بهر خود غم می‌خورد
جنگ را تا آتش سرخ است چون پرچم بلند
همچنان کاتش به هرجا رخنه کم‌کم میکند
نقص عالم چیست یارب کز پی اصلاح آن
عالمی بر هم زدن سهل است کز دست بشر

عبرت:

آن پخته که در دل طمع خام ندارد
زان است که یک جو غم ایام ندارد
پیداست در آغاز که انجام ندارد...
(همانجا)

«اندیشه نیک و بد ایام ندارد
شاد است دلم با هوس گندم خالشی
با این دل بشکسته‌ام این عهد که بربست

هرچند در شعر گلچین معانی توجه به مسائل روز دیده میشود، اما شعر عبرت «یک جو غم ایام ندارد». در اشعار شماره‌های بعد نیز تفاوت چشمگیری مشاهده نمیشود.

این انجمن با توجه به حضور شاعران سنتگرای مطرح و چاپ اشعار و مطالب اعضا در مجله ارمان انجمنی مؤثر در زمانه خود بوده است. همچنین دوام انجمن نشان از اعتبار آن نزد ادیبان دارد و خود موجب تأثیرگذاری بیشتر این انجمن بوده است.

دوره پهلوی دوم

انجمن ادبی فرهنگستان ایران

در سال ۱۳۲۵، فرهنگستان ایران دو انجمن تأسیس کرد. یکی انجمن ادبی فرهنگستان و دیگری انجمن علمی فرهنگستان (کی منش، ۱۳۸۴) این انجمن تنها انجمن ادبی دولتی در آن سالها بود و ادیب‌السلطنه سمیعی، رییس فرهنگستان ایران، با حضور صد و بیست تن از ادبا، انجمن ادبی فرهنگستان را در عمارت فرهنگستان تأسیس کرد (گلچین معانی، ۱۳۶۲، ص ۸) محمد تقی بهار به عنوان رییس انجمن برگزیده شد. احمد اشتری و محمدعلی ناصح نائب رییس شدند و حبیب یغمایی، احمد گلچین معانی، حسین خطیبی و احمد سهیلی خوانساری از دیگر اعضای انجمن بودند (کی منش، ۱۳۸۴)

محمدتقی بهار در سخنرانی آغازین خود در انجمن با بیان اینکه انجمنهای گذشته چندان موفق نبوده‌اند، میگوید که می‌خواهیم انجمنی بر پا کنیم تا با جبران کاستیهای گذشته گامهای محکم و اساسی در شعر و ادب برداریم و اعلام میکند که تنها به شعر نمی‌پردازیم بلکه قصد داریم در ادبیات فارسی کارهای مهمی انجام دهیم. تشکیل کمیسیونهایی چون کمیسیون نظم، کمیسیون نثر، خطابه و مناظره، تئاتر و نمایش، باستانشناسی، لغات و لهجه‌های بومی، سرود و تصنیف و حتی تاریخ و جغرافیا و... تربیت و تدریس مکتبهای ادبی و... از مهمترین برنامه‌ها در راستای رسیدن به این هدف بود («انجمن ادبی فرهنگستان ایران»، ۱۳۲۶) اما رفته رفته گرایش سنتی مرسوم در انجمنهای ادبی، در این انجمن نیز پررنگ شد و انجمن به همان راهی رفت که دیگر انجمنها میرفتند. در برخی از شماره‌های مجله اخگر (جمعاً ۱۳ شماره) اشعاری از شاعران این انجمن با عنوان «آثار انجمن ادبی فرهنگستان» چاپ شده است و همگی در قالبهای سنتی هستند. از اینرو میزان تأثیرگذاری این انجمن به‌واسطه انتشار آثارش در نشریات، زیاد بوده است و افراد زیادی میتوانند اشعار مجلات را بخوانند. اکنون چند شعر از این اشعار را میخوانیم و بررسی میکنیم:

جلال‌الدین همایی:

«تاجم نمیفرستی، تیغم به سر مزن	مرهم نمیگذاری زخم دگر مزن
مرهم نمینهی به جراحت نمک میاش	نوشم نمیدهی به دلم نیشتر مزن
بر نامه امید فقیران قلم مکش	بر ریشه حیات ضعیفان تبر مزن
بر فرق اوفتاده به نخوت لگد مکوب	سنگ ستم به طایر بی‌بال و پر مزن...

(انجمن ادبی فرهنگستان، ۱۳۲۷)

علی صدارت:

«با خیال تو شب و روز وصال است مرا	شاعرم، دل ز جهان خوش به خیال است مرا
به خیال تو چنان خوش گذرد روز و شبم	که شب هجر تو چون روز وصال است مرا
دل نبستم به کس ای ماه سفر کرده هنوز	بی‌تو آغوش تهی همچو هلال است مرا
ای جمال تو دل‌افروزتر از ماه تمام	به جمال تو که مه‌رت به کمال است مرا...

(انجمن ادبی فرهنگستان، ۱۳۲۸)

جز این دو شعر، اشعار دیگری هم در مجله اخگر از این انجمن درج شده است که همگی در قالبهای سنتی و با زبان و بیانی مشابه این اشعار هستند. پس میتوان گفت که فضای حاکم بر این انجمن نیز همچون دیگر انجمنها فضایی سنتگرایانه بوده و انجمن محفلی گرم و پربار بوده است برای دوستداران شعر کهن و شاعران جوانی که میخواستند از سنتها پیروی کنند. این انجمن که انجمنی دولتی بود، با وجود تأثیرگذاری و اهمیتش، نفوذ و تأثیرگذاری انجمنهای پیشین را نیافت.

اکنون چند انجمن دیگر را از نظر می‌گذرانیم. انجمنهایی که به تأثیرگذاری انجمنهای ادبی ایران، حکیم نظامی و فرهنگستان نبودند اما به خاطر حضور شاعران سنتگرا در آنها، تعدادی را برمی‌شماریم:

انجمن ادبی دانشوران

انجمن دیگری که شاعران سنتگرا به آن رفت و آمد داشتند، «انجمن ادبی دانشوران» بود. این انجمن در سال ۱۳۰۰ و با ریاست افتخاری ادیب السلطنه سمیعی آغاز به کار کرد. پس از وی تا مدتها عادل خلعتبری مدیریت این انجمن را بر عهده داشت و پس از او سید هادی حائری متخلص به «کورش» و بعد غلامحسین قرشی مدیر

این انجمن بودند. انجمن دانشوران، نشریه «آفاق» و «کانون دانشوران» را نیز منتشر میکرد. (صولتی دهکردی، ۱۳۷۰، ص ۶۵) جلسات این انجمن در روزهای پنجشنبه برگزار می‌شد. (نقوی، ۱۳۴۴)

انجمن ادبی ایران و پاکستان

در سال ۱۳۳۳ انجمن روابط فرهنگی ایران و پاکستان تأسیس شد و از سال ۱۳۳۸ جلسات ادبی این انجمن آغاز شد. مدیر این جلسات، صادق سرمد بود و عصر هر شنبه در تالار انجمن روابط فرهنگی برگزار میشد. محمد حجازی، محمدعلی ناصح، عباس فرات، نوش‌آفرین سعد، نعمت‌الله ذکائی بیضایی (پدر بهرام بیضایی، کارگردان بزرگ سینما)، سیمین بهبانی، رهی معیری، حمیدی شیرازی، ناظرزاده کرمانی، مهرداد اوستا، مشفق کاشانی، خلیل سامانی، ابوالحسن ورزی، سید محمدعلی ریاضی و... از اعضای آن بودند. (همان)

انجمن ادبی صائب

در سال ۱۳۳۸ خلیل سامانی «انجمن ادبی صائب» را بنا نهاد. این انجمن مجله «باغ صائب» را منتشر میکرد (سامانی، ۱۳۶۳، ص ۳۸) که در واقع نوعی تذکره الشعراء معاصر بود و در هر شماره قطعاتی از اشعار و زندگینامه شاعران معاصر در آن چاپ میشد.

برخی از شرکت‌کنندگان در جلسات این انجمن: امیری فیروزکوهی، پژمان بختیاری، رهی معیری، مشفق کاشانی، مهرداد اوستا، عباس فرات، هوشنگ ابتهاج، شهریار و سیمین بهبانی («اشعار باغ صائب»، ۱۳۸۱) چنانکه روشن است، شاعران برجسته و شاخص شعر سنت‌گرای معاصر به جلسات این انجمن رفت و آمد داشتند.

انجمن ادبی شب‌های شیراز

این انجمن در تهران و با مدیریت معدل شیرازی برگزار میشد و حمیدی شیرازی، عبدالرحمن فرامرزی، لطفعلی صورتگر، سعیدی سیرجانی، مهدی سهیلی، مظاهر مصفا و مهرداد اوستا از شرکت‌کنندگان در جلسات آن بودند. (مشفق کاشانی و پروین زاد، ۱۳۸۶)

انجمنهای دیگری هم در تهران فعال بودند از جمله: «انجمن ادبی تهران» با مدیریت نعمت‌الله ذکائی بیضایی، «انجمن ادبی آذرآبادگان» با مدیریت محمد دیهیم، «انجمن ادبی نصر» با مدیریت محمد جمال آشتیانی، «انجمن ادبی حافظ» به گرداندگی ذبیح‌الله ملک‌پور، «کلبه سعد» با مدیریت نوش‌آفرین سعد که شاعران سنت‌گرای مطرحی چون محمدعلی بهمنی و حسین منزوی به آن رفت و آمد داشتند (فیروزیان، ۱۳۹۰، ص ۴۸۱) انجمنهایی که بیشتر سنت‌گرا بودند.

بسیاری از مطرح‌ترین شاعران سنت‌گرای معاصر به این انجمنها رفت و آمد داشته‌اند. امیری فیروزکوهی به انجمنهای ایران و حکیم نظامی رفت و آمد داشت و در انجمن حکیم نظامی با رهی معیری و احمد گلچین معانی مأنوس بود (کی منش، ۱۳۸۰) و پروین اعتصامی در محافلی که پدرش با آنها سر و کار داشت حضور می‌یافت و در یکی از همان محافل با بهار آشنا شد (باحقی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۱) و چنانکه در شرح انجمنها دیدیم، بسیاری از شاعران سنت‌گرا از اعضای این انجمنها بودند و یک شاعر گاه به چندین انجمن میرفت. چیزی که نشان میدهد فعالیتهای انجمنها تفاوت چندانی با هم نداشته و صرفاً نام این انجمنها و زمان و مکان برگزاری جلسات آنها متفاوت بوده است. با اینحال با جاذبه‌ای که این انجمنها برای سنت‌گرایان داشتند، فرصتی به شاعران سنت‌گرا میدادند تا شعر

خود را بخوانند و شاعران جوانتر را راهنمایی کنند. انجمن ادبی برای کسانی که به شعر سنتی و گذشته علاقه داشتند، مکان بسیار خوب و مناسبی بوده است تا افراد هم‌سلیقه خود را بیابند و گرد هم آیند تا از این طریق بتوانند در مقابل موج نوگرایی روزگار خود، شعر سنتی را نیز زنده نگهدارند.

۵. اشعار طرحی، اقتراح ادبی

از مواردی که سنتگرایی را در انجمنهای ادبی و بین شاعران انجمنی تثبیت کرده، اشعار طرحی بوده است. در انجمنهای ادبی «رسم این بود که در پایان انجمن، یعنی بعد از آن که شعر هر کسی خوانده و نقادی شده بود، برای هفته بعد شعری را از اساتید قدیم معین میکردند که سرمشق وزن و قافیه بود و همه شعرا بر همان وزن و قافیه، غزل خود را برای هفته بعد میساختند. آن شعر را که برای سرمشق و به قول معروف «انگاره» معین شده بود، «غزل طرحی» میگفتند» (همایی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۳). در بیشتر روایتی‌هایی که از انجمنها نقل شده، به این موضوع هم اشاراتی رفته است. چنانکه حزین در ادامه نقل خود از انجمنی که در منزل پدرش برگزار میشده، نمونه‌ای از نظیره‌سرایی خود بر شعر محتشم کاشانی نقل میکند که موجب اعجاب و تحسین حاضران شده است (حزین لاهیجی، ۱۳۳۲، ص ۱۴).

طرح اشعار و تکلیف شاعران انجمن به سرودن شعر بر همان وزن و قافیه، عنصر مهمی در رویکرد و گرایش شاعران انجمنی به شعر سنتی بوده است. شاعرانی که در هر جلسه اشعاری میخواندند و میشنیدند که تقلیدی از اشعار بزرگان ادب فارسی است، ذهن و طبعشان در همان حال و هوای سنتی سیر میکرده است. در ضمن پس از خوانده شدن اشعار و مقایسه آنها با سرمشق اصلی، بیشتر به قدرت شاعری بزرگان ادب فارسی پی میبردند و شعر گذشته فارسی را بزرگ میشمردند و طبعاً اشعار نوگرایانه را در مقابل آثار سنتی چندان ارزشمند نمیدانستند.

طرح اشعار و سرودن شعر در استقبال از آنها در برخی مجلات ادبی نیز رواج داشته است. از جمله در مجله ارمغان که ارگان انجمنهای «ایران» و «حکیم نظامی» بوده است، در بخشی با عنوان «مسابقه ادبی» شعری طرح و از خوانندگان دعوت میشده تا اشعاری بر همان وزن و قافیه بسرایند و برای مجله بفرستند. معمولاً اشعار دریافتی، در انجمن ادبی ایران داوری می‌شده و اشعار برگزیده در مجله چاپ میشده است. اینک تنها برای نمونه به موردی از این طرح و استقبال ادبی این مجله اشاره می‌کنیم. در یک شماره مجله، خواسته شده تا در استقبال غزلی از افسر سبزواری، غزل بسرایند و برای مجله بفرستند. مطلع غزل افسر چنین است:

«در این چمن که دهم جان به رونمای گلی هزار خار فتاده است در قفای گلی»

(«مسابقه ادبی - مجله ارمغان»، ۱۳۰۹)

در شماره بعدی اشعاری که در استقبال این غزل سروده شده‌اند، آمده است. مطلع تعدادی از آنها چنین است:

«گهی که دست دهد جام می به پای گلی بنوش با بُتی ار سرخوش صفای گلی»

محسن شمس ملک آرا

«کشید سوی گلستان مرا هوای گلی که ز اشتیاق کنم جان خود فدای گلی»

عباس فرات یزدی

«خوش است جام می صافی و صفای گلی علی الخصوص ز دست گلی به پای گلی»

صبوری کسروی اصفهانی

(«استقبال غزل افسر»، ۱۳۰۹)

چنانکه روشن است، هم شعر افسر و هم اشعاری که به استقبال آن سروده شده است، کاملاً سنتگرایانه هستند و نشان میدهند که فضای انجمنهای ادبی و همچنین اشعار طرحی آنها تا چه حد تحت تأثیر ادب سنتی بوده است.

گویا غزل معروف و زیبای حسین منزوی با مطلع:

دریای شورانگیز چشمانت چه زیباست آنجا که باید دل به دریا زد همینجاست

نیز در پی یک اقتراح در انجمنی ادبی سروده شده است. (فیروزیان، ۱۳۹۰، ص ۵۱۶) که خود نشان دهنده نقش انجمنها و اشعار طرحی در استمرار شعر سنتی معاصر است.

چنانکه در بررسی انجمنهای مهم معاصر اشاره کردیم، طرح اشعار و تقلید از گذشتگان در آنها رواج کامل داشته است و به طور کلی میتوان گفت که بیشتر اشعار شاعران انجمنی معاصر، هم از نظر قالب و هم از نظر محتوا، تقلید از اشعار گذشتگان است (حسین‌پور چافی، ۱۳۹۰، صص ۵۳-۵۴) و شاید هم عیب بزرگ آنها همین بوده باشد. اگرچه این انجمنها گام مهمی در نوگرایی و مدرن شدن ادبیات معاصر برداشتند، اما با حفظ سنتهای ادبی، نقش مهمی در استمرار شعر سنتی در دوران معاصر داشتند و توانستند در برابر موج نوگرایی که از حدود دهه ۱۳۲۰ شمسی در ادب فارسی آغاز شد و بسیاری از شاعران به آن گرویدند، شعر سنتی را زنده نگه دارند. این انجمنها با همه گذشته‌گرایی، تقلیدگرایی و کمبود خلاقیتی که داشتند، قالبهای سنتی شعر فارسی را حفظ کردند.

۶. بررسی و ارزیابی کلی عملکرد انجمنهای ادبی

در دوران معاصر، انجمنهای ادبی هرچند بسیاری از سنتهای انجمنهای گذشته را حفظ کردند از جمله اقتراح و خواندن اشعار شاعران بزرگ اما تفاوتهایی با انجمنهای گذشته دارند، همچون: ۱- انجمنهای گذشته چندان رسمی نبوده‌اند و معمولاً در قهوه‌خانه‌ها یا منزل شاعران برگزار میشدند اما انجمنهای معاصر، رسمیت بودند و مکانی مشخص همچون دفتر انجمن، یک ساختمان دولتی، دفتر مجله، کتابخانه و ... برای برگزاری جلسات خود داشتند. ۲- انجمنهای معاصر، با گسترش چاپ و روزنامه‌نگاری، راحت‌تر و سریع‌تر توانستند اخبار و اشعار خود را به خوانندگان و دوستداران شعر و ادبیات برسانند اما در گذشته چنین نبود و اشعار انجمنی به سختی و با تأخیر به مردم میرسید. در نتیجه میتوان گفت تأثیرگذاری انجمنهای معاصر هم سریع‌تر و هم گسترده‌تر بوده است. ۳- در برخی انجمنهای معاصر، به دلیل آشنایی با فرهنگ دیگر ملل، گاه لزوم نوآوری درک میشد و تلاش میکردند در شعار و بیانیه انجمن، از روزگار خود عقب نباشند. اما در گذشته انجمنها تنها به ادبیات فارسی تمرکز داشتند. ۴- تعداد انجمنها در گذشته کمتر از معاصر بوده است. میتوان دلایلی چون افزایش جمعیت افراد باسواد، آسانتر شدن اطلاع‌رسانی و جذب اعضا و ... را برای آن برشمرد.

۷. نتیجه‌گیری

انجمنهای ادبی در روزگاران مختلف، نقش مهم و پررنگی در تحولات ادبی داشته‌اند. در اواخر زندیه و اوایل قاجاریه انجمنهای مشتاق، نشاط و خاقان نقش مهمی در جریان بازگشت ادبی داشتند. از اینرو سنتگرایی در این انجمنها و انجمنهای مشابه تثبیت شد. در دوران مشروطه برای مدت کوتاهی، انجمنها فضایی برای مبارزات سیاسی و اجتماعی بودند که دیری نپایید. پس از مشروطه انجمن دانشکده تشکیل شد که لزوم توجه به نوآوری در مفاهیم و مضامین شعری را دریافته بود، البته با حفظ زبان و اسلوبهای کهن. این انجمن با ترجمه اشعار غربی و نوشتن

مقاله درباره ادبیات غرب، میکوشید تا ادیبان و شاعران ایرانی را با ادبیات غربی آشنا تر کند. از سوی دیگر با نوشتن مقالات درباره ادب گذشته و چاپ اشعار شاعران قدیم، به حفظ و معرفی سنتها میکوشید. همچنین شاعران را تشویق میکرد تا ترجمه اشعار غربی را به نظم درآورند و از اینرو میکوشید پلی میان ادبیات روز جهان و ادبیات سنتی فارسی بزند. در دوران پهلوی اول دو انجمن حکیم نظامی و ایران رونق داشتند. انجمنهایی که با توجه به فضای سیاسی بسته و تحت تأثیر جو انجمن و ادیبان سنتگرای حاضر در آنها، بیشتر سنتگرا بودند و نوآوری آنها حتی در حد انجمن دانشکده نبود. در دوره پهلوی دوم با وجود بازتر شدن فضای سیاسی، انجمنها سنتگرایی را حفظ کردند و به پایگاه قدرتمند سنتگرایی در برابر نوگرایی تبدیل شدند. انجمنهای فرهنگستان، انجمن صائب، انجمن ایران و پاکستان و ... در این دوره فعال بودند.

چگونگی پاسداری انجمنها از سنتگرایی را میتوان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- مستقیم: فعالیتهای درونی انجمنها در ترویج سنتگرایی، شامل مواردی چون اقتراح، تصحیح متون، تدریس قواعد ادبی و اشعار شاعران گذشته و ... ۲- غیر مستقیم: حضور افراد بانفوذی چون ملک الشعرای بهار، سعید نفیسی، وحید دستگردی، ادیب السلطنه سمیعی، شاهزاده افسر سبزواری، صادق سرمد و ... در انجمنها، که به دوام و نفوذ و توجه به انجمنها کمک شایانی میکرد. بسیاری از اعضای انجمن نیز خود مؤلف کتابهای درسی بودند. از جمله: بهار، رشید یاسمی، سعید نفیسی و همچنین اشعار بسیاری از این شاعران در کتب درسی چاپ میشد و موجب نفوذ آثار سنتی در میان نسل جوان و نوجوان بود.

فواید انجمنهای ادبی: حفظ سنتهای مفید ادبی و جلوگیری از فراموشی سنتها در برابر نوگرایی افراطی، کمک به غنی تر شدن زبان شعر معاصر، تصحیح و چاپ متون ادبی گذشته (بویژه در انجمن حکیم نظامی) و کمک به استمرار شعر کلاسیک در دوران معاصر که در نهایت منجر به نوآوری در این شاخه شعری گردید. معایب انجمنهای ادبی: سنتگرایی، تقلید، دوری از نوآوری و خلاقیت، بسته و یکنواخت بودن فضای انجمن، دور بودن از اوضاع روز جامعه و کمرنگ بودن نقش زنان.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه یزد استخراج شده است. آقای دکتر مهدی ملک ثابت راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده اند. آقای حسن چاکری زاده بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته اند. آقای دکتر یدالله جلالی پندری به عنوان استاد مشاور در تجزیه و تحلیل داده ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش مشارکت داشته اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از مدیر گروه رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش

تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Aarionpour, Y. (2003). *From Saba to Nima* (Vol. 1, 8th ed.). Tehran: Zovar, pp.13-14.
- Aarionpour, Y. (2003). *From Saba to Nima* (Vol. 2, 8th ed.). Tehran: Zovar, pp.430-445, 451.
- Afshar, I. (1984). Literary Associations. *Ayandeh*, 10(12), pp.795-804.
- Afshar, I. (1986). Literary Associations in Iran. *Ayandeh*, 12(7-8), pp 376-384
- Ash'ar-e Bagh-e Sa'eb. (2002). *Keyhan Farhangi*, 191, pp.16-17.
- Association of Literary Academy. (1948). *Akgar*, No. 26, pp.63-70.
- Association of Literary Academy. (1949). *Akgar*, No. 41, pp.47-48.
- Bahar, M. T. (1918a). *Our Path*. *Daneshkadeh*, 1(1), pp.1-7.
- Bahar, M. T. (1918b). *Proposal*. *Daneshkadeh*, 1(9), pp.505-506.
- Bahar, M. T. (1947). *Literary Academy Association of Iran*. *Nameh Farhangestan (Old)*, 5(1), pp.9-12.
- Bahar, M. T. (1976). *Bahar and Persian Literature* (Edited by M. Golban, 2nd ed.). Tehran: Ketabha-ye Jibi Co., pp.389-394.
- Dolatshah Samarqandi, D. (2003). *Tazkirat al-Shu'ara* (Edited by E. Brown). Tehran: Asatir, p.51.
- Firoozian, M. (2011). *From Song to Thunder (Life, Critique, and Analysis of Hossein Manzavi's Poems)*. Tehran: Sokhan, pp.481-516.
- Golchin Ma'ani, A. (1983). *Divan-e Golchin*. Tehran: Ma, pp.7-8.
- Golchin Ma'ani, A. (1994). *Like a Mirror, Drown Me in Amazement*. *Vaqf Miras-e Javidan*, 5, pp.116-121.
- Hazīn Lāhījī, M. A. (1953). *History of Hazīn*. Isfahan: Ta'id Bookstore, p.14.
- Homai, J. (2009). *Techniques of Rhetoric and Literary Arts* (28th ed.). Tehran: Nashr Homa, p.393.
- Hosseinpour Chafi, A. (2011). *Contemporary Persian Poetic Trends* (3rd ed.). Tehran: Amir Kabir, pp.53-54.
- Iqbal Ashtiani, A. (1999). *Collected Articles of Abbas Iqbal Ashtiani* (Vol. 1). Tehran: Ruzaneh, p.541.
- Imitation of Afsar's Ghazal. (1930). *Armaghan*, 11(2), pp.150-153.
- Khatib Rahbar, K. (1971). *Biography of Mohammad Ali Nasih, Head of the Literary Association of Iran*. *Vahid*, 98, pp.1613-1624.

- Ki-Manesh, A. (2001). Amiri and His Position in Contemporary Literature. *Daneshkadeh Adabiyat va Olum-e Ensani*, 46(2-3), pp.97-110.
- Ki-Manesh, A. (2005). Literary Associations from the Beginning of Persian Poetry to 1956. *Daneshkadeh Adabiyat va Olum-e Ensani*, 56(4), pp.61-80.
- Literary Association of Hakim Nezami Works. (1957). *Armaghan*, 26(1), pp.38-45.
- Literary Association of Iran Works. (1922). *Armaghan*, 3(7-8), pp.304-307.
- Literary Association of Iran Works. (1928). *Armaghan*, 9(2-3), pp.183-184.
- Literary Association Works. (1941). *Armaghan*, 22(7), pp.330-335.
- Melah, H. A. (1974). National Anthem of Iran and Its Creation. *Honar va Mardom*, 138, pp.88-90.
- Meshkaf Kashani, A. (2007). Ghazal and Innovation/Interview. *Keyhan Farhangi*, 246-247, pp.5-19.
- Meyri, M. H. (2020). *Collected Works of Rehi Meyri* (5th ed.). Tehran: Zovar, p.72.
- Mosabeqeh Adabi. (1930). *Armaghan*, 11(1), pp.37-38.
- Naqvi, S. (1965). *Iran-Pakistan Cultural Association*. Helal, 51, pp.34-37.
- Nasih, M. A. (1994). *Divan of Mohammad Ali Nasih*. Tehran: Golvajeh, p.3.
- Natel Khanlari, P. (1998). *Seventy Speeches* (Vol. 1). Tehran: Tous, p.6.
- Rashid Yasemi, G. (1954). *Poetry in the Present Era* (Translated by A. Ahmadi). *Yaghma*, 77, pp.424-431.
- Rostami, Z. and Fallah, M. (2014). The Role of Literary Associations in the First Pahlavi Era. *She'r-Pazhuhi*, 6(22), pp.81-106.
- Ruhani, G. (1978). May Those Days Be Remembered. *Vahid*, 252-253, pp.70-72.
- Saadi Shirazi, M. (2015). *Golestan-e Saadi* (Edited by G. H. Yusefi, 12th ed.). Tehran: Kharazmi, p.54.
- Samani, S. (1984). *Memorial of Moj* (Khalil Samani). Tehran: Bamdad, pp.38-63.
- Sehili-Khansari, A. (1978). Working Method: Literary Association of Hakim Nezami. *Vahid*, 252-253, pp.85-86.
- Shams Langarudi, M. (2019). Poetry of the Return Period. Tehran: Negah, pp.141-147.
- Shahriar, S. M. H. (1990). *Collected Poems of Shahriar* (Vol. 1, 9th ed.). Tehran: Zarrin, pp.698-699.
- Solti Dehkordi, S. (1991). In the Gathering of Poets. *Donyay-e Sokhan*, 43, p.65.
- Spentah, S. (1986). Literary Associations of Isfahan. *Ayandeh*, 12(7-8), pp.385-396.
- Vahid Dastgerdi, H. (1920a). A New World Speaks with a Clear Tune. *Armaghan*, 1(6-7), pp.228-229.
- Vahid Dastgerdi, H. (1920b). Good News of *Armaghan's* Beginning. *Armaghan*, 1(1), pp.1-4.

- Vahid-Nia, S. (1978). Scattered Notes on Vahid. Vahid, 252-253, pp.144-180.
- Yahaghi, M. J. (2017). Stream of Moments (16th ed.). Tehran: Jami, p.171.
- Zargani, M. (2015). Panorama of Contemporary Iranian Poetry (2nd ed., 5th print). Tehran: Sals, pp.78-79,124.
- Zarrinkoob, A. (2007). Literary Criticism (8th ed.). Tehran: Amir Kabir, pp.186-187.
- Zoka'i Beyza'i, N. (1972). Memories of the Literary Association of Hakim Nezami. Khatirat-e Vahid, 6, pp.49-50.

فهرست منابع

- آثار انجمن ادبی ایران. (۱۳۰۱). ارمغان، دوره سوم، شماره ۷ و ۸، صص ۳۰۴-۳۰۷
- آثار انجمن ادبی ایران. (۱۳۰۷). ارمغان، دوره نهم، شماره ۲ و ۳، صص ۱۸۳-۱۸۴
- آثار انجمن ادبی حکیم نظامی. (۱۳۳۶). ارمغان، دوره ۲۶، شماره ۱، صص ۳۸-۴۵
- آثار انجمن نظامی. (۱۳۲۰). ارمغان، دوره ۲۲، شماره ۷، صص ۳۳۰-۳۳۵
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۸۲). از صبا تا نیما (جلد ۱، چاپ هشتم). تهران: زوار، صص ۱۳-۱۴-۱۵
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۸۲). از صبا تا نیما (جلد ۲، چاپ هشتم). تهران: زوار، صص ۴۳۰-۴۴۵، ۴۵۱
- استقبال غزل افسر. (۱۳۰۹). ارمغان، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۱۵۰-۱۵۳
- اشعار باغ صائب. (۱۳۸۱). کیهان فرهنگی، شماره ۱۹۱، صص ۱۶-۱۷
- افشار، ایرج. (۱۳۶۳). انجمنهای ادبی. آینده، دوره ۱۰، شماره ۱۲، صص ۷۹۵-۸۰۴
- افشار، ایرج. (۱۳۶۵). انجمنهای ادبی در ایران. آینده، دوره ۱۲، شماره ۷ و ۸، صص ۳۷۶-۳۸۴
- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۷۸). مجموعه مقالات عباس اقبال آشتیانی (جلد ۱). تهران: روزنه، ص ۵۴۱
- انجمن ادبی فرهنگستان. (۱۳۲۷). اخگر، شماره ۲۶، صص ۶۳-۷۰
- انجمن ادبی فرهنگستان. (۱۳۲۸). اخگر، شماره ۴۱، صص ۴۷-۴۸
- بهار، محمدتقی. (۱۲۹۷ الف). مرام ما. دانشکده، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱-۷
- بهار، محمدتقی. (۱۲۹۷ ب). اقتراح، دانشکده، دوره ۱، شماره ۹، صص ۵۰۵-۵۰۶
- بهار، محمدتقی. (۱۳۲۶). انجمن ادبی فرهنگستان ایران، نامه فرهنگستان (قدیم)، دوره ۵، شماره ۱، صص ۹-۱۲
- بهار، محمدتقی. (۱۳۵۵). بهار و ادب فارسی (به کوشش محمد گلبن، چاپ دوم). تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، صص ۳۸۹-۳۹۴
- حزین لاهیجی، محمدعلی. (۱۳۳۲). تاریخ حزین. اصفهان: کتابفروشی تأیید، ص ۱۴
- حسین‌پور چافی، علی. (۱۳۹۰). جریانهای شعری معاصر فارسی (چاپ سوم). تهران: امیرکبیر، صص ۵۳-۵۴
- خطیب رهبر، خلیل. (۱۳۵۰). شرح احوال محمدعلی ناصح رئیس انجمن ادبی ایران. وحید، شماره ۹۸، صص ۱۶۱۳-۱۶۲۴
- دولتشاه سمرقندی، دولتشاه بن بختیشاه. (۱۳۸۲). تذکره الشعراء، تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر، ص ۵۱
- ذکایی بیضایی، نعمت‌الله. (۱۳۵۱). یاد و خاطره‌ای از انجمن ادبی حکیم نظامی. خاطرات وحید، شماره ۶، صص ۴۹-۵۰

ر ستمی، زهرا، و فلاح، مرتضی. (۱۳۹۳). نقش انجمنهای ادبی مؤثر دوره پهلوی اول در روند شعر معاصر. شعر پژوهی، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۸۱-۱۰۶

رشید یاسمی، غلامرضا. (۱۳۳۳). شعر در عصر حاضر (ترجمه احمد احمدی). یغما، شماره ۷۷، صص ۴۲۴-۴۳۱
روحانی، غلامرضا. (۱۳۵۷). یاد باد آن روزگاران یاد باد. وحید، شماره ۲۵۲-۲۵۳، صص ۷۰-۷۲
زرقانی، مهدی. (۱۳۹۴). چشم‌انداز شعر معاصر ایران (ویراست دوم، چاپ پنجم). تهران: ثالث، صص ۷۸-۱۲۴، ۷۹
زرینکوب، عبدالحسین. (۱۳۸۶). نقد ادبی (چاپ هشتم). تهران: امیرکبیر، صص ۱۸۶-۱۸۷
سامانی، سپیده. (۱۳۶۳). یادنامه موج (خلیل سامانی). تهران: بامداد، صص ۳۸-۶۳
سعدی شیرازی، مصلح‌الدین عبدالله. (۱۳۹۴). گلستان سعدی (تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ دوازدهم). تهران: خوارزمی، ص ۵۴

سپنتا، ساسان. (۱۳۶۵). انجمنهای ادبی اصفهان. آینده، دوره ۱۲، شماره ۷-۸، صص ۳۸۵-۳۹۶
سهیلی خوانساری، احمد. (۱۳۵۷). روش کار انجمن ادبی حکیم نظامی. وحید، شماره ۲۵۲-۲۵۳، صص ۸۵-۸۶
شاملو، اکبر. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل علل و عوامل شکل‌گیری سبک بازگشت، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی شاملو (بهار ادب)، شماره ۲۹، صص ۲۰۹-۲۲۲

شمس لنگرودی، محمد. (۱۳۹۸). شعر دوره بازگشت. تهران: نگاه، صص ۱۴۱-۱۴۷
شهریار، سید محمدحسین. (۱۳۶۹). کلیات دیوان شهریار (جلد ۱، چاپ نهم). تهران: زرین، صص ۶۹۸-۶۹۹
صولتی دهکردی، شمس‌الدین. (۱۳۷۰). در محفل شاعران. دنیای سخن، شماره ۴۳، ص ۶۵
فیروزیان، مهدی. (۱۳۹۰). از ترانه و تندر (زندگی، نقد و تحلیل اشعار حسین منزوی). تهران: سخن، صص ۴۸۱-۵۱۶

کی‌منش، عباس. (۱۳۸۰). امیری و جایگاه او در ادب معاصر. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴۶، شماره ۲-۳، صص ۹۷-۱۱۰

کی‌منش، عباس. (۱۳۸۴). انجمنهای ادبی از آغاز شعر فارسی دری تا سال ۱۳۳۵. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۶، شماره ۴، صص ۶۱-۸۰

گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۲). دیوان گلچین. تهران: ما، صص ۷-۸
گلچین معانی، احمد. (۱۳۷۳). همچو آینه سراپا غرق حیرت کن مرا. وقف میراث جاویدان، شماره ۵، صص ۱۱۶-۱۲۱

معیری، محمدحسین. (۱۳۹۹). کلیات رهی معیری (چاپ پنجم). تهران: زوار، ص ۷۲
مسابقه ادبی. (۱۳۰۹). ارمغان، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۳۷-۳۸
مشفق کاشانی، عباس. (۱۳۸۶). غزل و نوگرایی / گفت‌وگو. کیهان فرهنگی، شماره ۲۴۶-۲۴۷، صص ۵-۱۹
ملاح، حسین‌علی. (۱۳۵۳). سرود ملی ایران و چگونگی ابداع آن. هنر و مردم، شماره ۱۳۸، صص ۸۸-۹۰
ناصر، محمدعلی. (۱۳۷۳). دیوان اشعار محمدعلی ناصر. تهران: گل‌واژه، ص ۳
ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۷۷). هفتاد سخن (جلد ۱). تهران: توس، ص ۶
نقوی، شهریار. (۱۳۴۴). انجمن روابط فرهنگی ایران و پاکستان. هلال، شماره ۵۱، صص ۳۴-۳۷
وحید دستگردی، حسن. (۱۳۹۹ الف). دنیای تازه با آهنگ رسا می‌گوید. ارمغان، دوره ۱، شماره ۶-۷، صص ۲۲۸-۲۲۹

وحید دستگردی، حسن. (۱۳۹۹ب). مژده آغاز ارمغان. ارمغان، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱-۴
وحیدنیا، سیف‌الله. (۱۳۵۷). یادداشتهای پراکنده درباره وحید. وحید، شماره ۲۵۲-۲۵۳، صص ۱۴۴-۱۸۰
همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۸). فنون بلاغت و صناعات ادبی (چاپ بیست و هشتم). تهران: نشر هما، ص ۳۹۳
یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۹۶). جویبار لحظه‌ها (چاپ شانزدهم). تهران: جامی، ص ۱۷۱

معرفی نویسندگان

حسن چاکری‌زاده: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(Email: hassanchakerizade@gmail.com)

(ORCID: 0009-0001-3354-5141)

مهدی ملک ثابت: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(Email: mmaleksabet@yazd.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0002-6882-9080)

یدالله جلالی پندری: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(Email: jalali@yazd.ac.ir)

(ORCID: 0000-0001-6398-3479)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Hassan Chakerizadeh: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran.

(Email: hassanchakerizade@gmail.com)

(ORCID: 0009-0001-3354-5141)

Mehdi Malek Sabet: Professor, Department of Persian Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran.

(Email: mmaleksabet@yazd.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-6882-9080)

Yadollah Jalali Pandari: Professor, Department of Persian Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran.

(Email: jalali@yazd.ac.ir)

(ORCID: 0000-0001-6398-3479)